

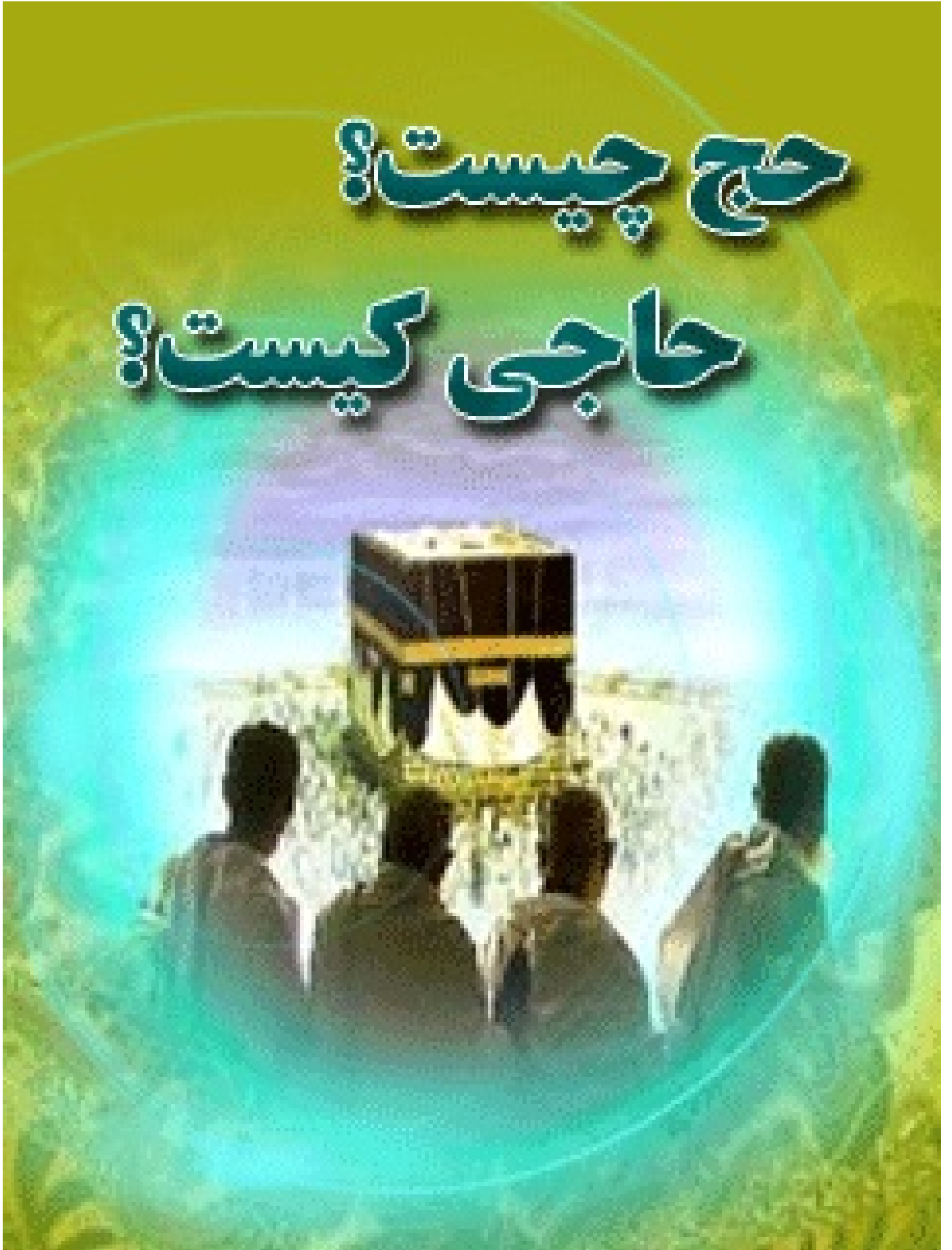
سَلَامٌ عَلَيْهَا
نور فاطمه زهرا



کتابخانه دیجیتال
www.noorfatemah.org

حج چیست؟

حاجی کیست؟



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حج چیست؟ حاجی کیست؟

نویسنده:

غلام‌علی افروز

ناشر چاپی:

پیوند

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵ فهرست
۶ حج چیست؟ حاجی کیست؟
۶ مشخصات کتاب
۶ مبانی روان‌شناختی و تربیتی
۶ قسمت اول
۹ قسمت دوم
۱۱ منابع و مأخذ
۱۱ پی‌نوشتها
۱۲ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

حج چیست؟ حاجی کیست؟

مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی: ایران ۷۷-۶۶۳ سرشناسه: افروز، غلام‌علی عنوان و نام پدیدآور: حج چیست حاجی کیست / افروز، غلام‌علی منشا مقاله: ، پیوند، ش ۲۲۲، (فروردین ۱۳۷۷): ص ۵ - ۱۲. توصیفگر: حج

مبانی روان‌شناختی و تربیتی

قسمت اول

با ژرف‌اندیشی و تأملی فراتر از معمول پیرامون فلسفه وجودی و مبانی نظری ارزشهای مذهبی و "بایدها" و "نبایدهای" تقییدهای دینی، به این حقیقت دست می‌یابیم که خالق جهان هستی و ناظم عالم وجود، با آفرینش انسان - این اشرف مخلوقات و شایسته‌ترین خدای در زمین - همه برنامه‌ها و روش‌های تعالی وجود و رشد و فلاح او را نیز در گذرگاه حیات دنیایی، موافق با فطرت و سرشت آدمی تقدیر کرده است. به کلامی دیگر، در جهان‌بینی اسلام و فرهنگ قرآن، تمامی "بایدها و نبایدهای مذهبی" بر فطرت، منطقی و عقل سلیم انسان - این صاحب نیروی تعقل و تفکر و قدرت تشخیص و انتخاب - استوار است. در یک نگاه کلی درمی‌یابیم که مجموعه بایسته‌ها و شایسته‌های مذهبی (واجبات و مستحبات) و نابایسته‌ها و ناشایسته‌ها (حرامها و مکروهات)، از نظام منطقی و معیار ارزشی روشنی برخوردار است. بدین معنا که هر آنچه بالفعل و بالقوه، در کوتاه‌مدت و بلندمدت، آشکارا و پنهانی، به صورت فردی یا جمعی، برای سلامت و رشد زیستی مطلوب انسان مضر است و آفت رشد متعالی ذهنی، روانی و اجتماعی انسان به شمار می‌آید، ممنوع گردیده، می‌بایست انسانهای آزاده و عاقل از آنها اجتناب ورزند و به عکس، هر آنچه به گونه‌ای هموارکننده مسیر رشد جسمانی و عامل رشد و تعالی ذهنی و روانی، اخلاقی و اجتماعی انسان است، تقیید بدان برای همه انسانهای ممیز و خردمند واجب و ضروری اعلام شده است. گستره فرائض و توصیه‌های دینی به گونه‌ای است که هر کس به تناسب ظرفیت و توان خویش می‌تواند به بهره‌مندی از این توصیه‌ها و ارزشها در طی مراتب کمال و نیل به رستگاری، توفیقات جاودانه داشته باشد. به عنوان مثال، با نگرشی عمیق بر اصول کلی و معیارهای حاکم بر پاره‌ای از مواردی که به عنوان حرام اعلام شده است، مانند: مصرف مشروبات الکلی، گوشت خوک و مواد مخدر، آفتهای اخلاقی و رفتاری مثل: دروغ، غیبت، تهمت، دزدی، کم‌فروشی، خیانت، ظلم، بی‌عدالتی و نظایر آن، درمی‌یابیم که همه این موارد همانهایی هستند که به گونه‌ای آفت سلامت عمومی، رشد ذهنی، روانی و اجتماعی انسانها محسوب می‌شوند. از سوی دیگر، با در نظر گرفتن معیارهای منطقی، اذعان می‌داریم که همه بایدها و توصیه‌های اسلامی، زمینه‌های رشد عمومی و تعالی وجود آدمی را در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی فراهم می‌نماید و پایبندی به آنها بهداشت روان، شکوفایی شخصیت و سلامت و اعتلای جامعه انسانی را تضمین می‌نماید. راست‌گویی، صداقت، حق‌گویی، عدالت، ظلم‌ستیزی و دفاع از مظلومان، عفت و نجابت، مصونیت از آسیب‌پذیریها، تألیف قلوب و تلاش برای برقراری صلح و صفا، پرداخت خمس و زکات برای تأمین احتیاجات نیازمندان، مسؤلیت‌پذیری و رسیدگی به مسایل مستضعفان و محرومان، احترام به والدین و تکریم فرزندان، دانش‌افزایی و مبارزه با جهل و نادانی، تعاون و همکاری و ... از واجبات دین است که همه صاحبان عقل و اندیشه بر حقانیت و ضرورت تجلی آنها در زندگی فردی و اجتماعی اصرار دارند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: "من لا عقل له لا دین له" یعنی هر کس از موهبت عقلانیت بهره‌ای ندارد نمی‌تواند متدین باشد و در تأکید بر همین معنا نیز فرموده‌اند: "الدین هو العقل و العقل هو الدین - دین همان عقل است و عقل همان دین". یعنی آدم عاقل، حتماً دیندار است

و انسان متدین حتماً عاقل است. مولای متقیان علی علیه السلام نیز در توصیف عقل و دین فرموده‌اند: "زین الدین العقل" یعنی زینت و زیور دین عقل است. به عبارت دیگر آنچه‌ان ارزشهای الهی و "بایدها و نبایدهای" قرآنی مبتنی بر فطرت و عقلانیت است که امام متقیان علی علیه السلام می‌فرمایند: "علی قد العقل یكون الدین" دین‌مداری هر کس به تناسب عقلانیت او خواهد بود، چرا که دین آدمی به اندازه عقل او خواهد بود. در حقیقت از منظر اولین دست‌پرورده و دانش‌آموخته مکتب اسلام، علی علیه السلام همه دین و دینداری نتیجه عقل و عقل‌مداری است. "الدین و الادب نتیجۃ العقل" دین و ادب نتیجه و محصول عقل است. در همین ارتباط و در تأکید بر عقلانیت اساس دین، مولای متقیان علی علیه السلام روایت می‌کنند که «روزی جبرئیل بر حضرت آدم نازل شد و گفت: ای آدم من مأمور شده‌ام که ترا در انتخاب یکی از سه چیز مخیر سازم، پس یکی را برگزین و دوتای دیگر را واگذار، آدم گفت: آن سه چیز کدامند؟ جبرئیل گفت: "عقل"، "حیا" و "دین". "آدم گفت: از بین این سه چیز "عقل" را برمی‌گزینم. جبرئیل به حیا و دین گفت شما باز گردید و او را واگذارید. اما حیا و دین گفتند ای جبرئیل ما مأموریم هر جا که عقل باشد با او باشیم و جبرئیل گفت خود داند و بالا رفت». همه پیام این روایت این است که همیشه عقل با حیا و دین ملازم است یعنی هر که عاقل است با حیا و متدین است. در حقیقت، ملازمت عقل و دین، عقلانیت و شرعیت و همگامی عاقل و متدین به گونه‌ای است که مولای متقیان علی علیه السلام می‌فرمایند: "العقل شرع من داخل و الشرع عقل من خارج" عقل برای انسان "دین درونی" است و دین برای آدمی "عقل بیرونی" است. امام صادق علیه السلام در همین نگاه می‌فرمایند: "حجت الله علی العباد النبی و الحجۃ فیما بین العباد و بین الله العقل" حجت خداوند بر مردم پیامبر (ص) است و حجت بین مردم و خداوند عقل است. آری، همه سخن این است که با تأملی بر مبانی روان‌شناختی ارزشهای دینی و احکام الهی به وضوح درمی‌یابیم که اندیشه و ارکان دینی در مکتب اسلام بر فطرت و عقلانیت استوار است و دین حجتی است بر همه خردورزان آزاده و آزاداندیشان وارسته. عاقل یعنی کسی که حیات فردی و اجتماعی‌اش بر موازین منطق و حکمت و رشد و تعالی استوار است. انسان ممکن است از هوشی سرشار برخوردار باشد، اما در بسیاری از مواقع رفتاری عاقلانه نداشته باشد. مثلاً سیگار کشیدن توسط متخصصان علوم پزشکی، با آگاهی از اینکه استعمال دخانیات مضر سلامت انسان است، رفتاری عاقلانه نیست. هوش وسیله و ابزار است و عقل، حسن استفاده از هوشمندی است. وقتی انسان به باورهای منطقی خود عمل نکند، نمی‌تواند اندیشه و رفتارهای عاقلانه داشته باشد، "لم تقولون ما لا تفعلون -" "چرا می‌گویید و عمل نمی‌کنید؟"، "تأمرن الناس بالبر و تنسون انفسکم" - "آیا دیگران را به انجام کارهای خوب فرمان می‌دهید و خودتان را فراموش می‌کنید؟" مولای متقیان می‌فرمایند: شخص عاقل همواره در اندیشه رشد و کمال شخصیت خویش است. "العاقل یطلب الکمال" از همین رو از نظر مولای متقیان علی علیه السلام عاقل کسی است که همواره رفتار او گفته‌هایش را تأیید و تصدیق می‌کند و بین حرف و عمل او فاصله‌ای نیست، "العاقل من صدق اقواله افعاله." "اسلام، دین حق و منطق و عقلانیت است، باورها و اندیشه‌ها و بایدها و نبایدهای اسلامی و آموزه‌های قرآنی به گونه‌ای است که بر فراز عصرها و نسلها برای همه انسانهای آگاه و بصیر و خردمند و خردپیشه منشور حیات هدفمند و تعالی‌گر است. در فرایند جهانی شدن و جهانی‌سازی آنچه که می‌تواند به‌عنوان متعالی‌ترین فرهنگ و برترین ارزشها پاسخگوی همه نیازهای فطری و عقلانی انسانها در گستره هستی باشد اسلام و آموزه‌های قرآنی است، چرا که اسلام مکتب جهان‌شمول است و جاودانه‌ترین ارزشها را به ارمغان دارد. جهانی‌سازی با محوریت حاکمیت اقتصاد جهانی بدون بهره‌مندی از فرهنگ جهانی نمی‌تواند معنا و مفهوم ماندگاری داشته باشد و در این رهگذر، تنها آیین و فرهنگ و اندیشه و منطقی که می‌تواند هدایت فکری و روانی و فرهنگی همه انسانها را در جامعه جهانی متکفل شود فرهنگ پویا و غنی اسلامی و ارزشهای قرآنی است، چرا که حاکمیت فرهنگ اسلامی بر گستره جهان یعنی حاکمیت همه ارزشها و همه زیباییها و بالطبع همه پاسخها. امروزه بیش از هر زمان دیگر همه جهانیان، کوچکترها و بزرگترها، نوجوانان و جوانان، زنان و مردان به‌ویژه خانواده‌ها، نیازمند آرامش روان و امنیت خاطر و نیل به سعادت جاودان هستند. لازمه احساس آرامش و امنیت روان و

تجربه سعادت‌مندی، اندیشه و تفکر دوباره به ارزشهای الهی است که بر پایه نیازهای فطری و روانی و ویژگیهای شناختی و عقلانی انسانها استوار است. اما چه بسیار آدمهایی که در اسارت نفس اماره محبوس گردیده و به گونه‌ای که بایسته است از بصیرت و قدرت تعقل و تفکر و از قابلیت‌های عقلانی خویش بهره‌ای نمی‌گیرند. چه بسیارند انسانهایی که از موهبت عقلانیت بهره‌مندند اما در حیات فردی و اجتماعی خویش براساس منطق و تعقل عمل نمی‌کنند، آدمهایی که چشم دارند، اما بصیرت ندارند و کسانی که گوش دارند اما گوش شنوا ندارند و از شنیدن حق و ادراک حق بی‌نصیبند و چه زیبا قرآن کریم بدین معنا اشاره نموده است: "لقد ذرانا لجهنم کثیرا من الجن و الانس لهم قلوب لا یفقهون بها و لهم اعین لا یروون بها و لهم اذان لا یسمعون بها اولئک کالانعم بل هم اضل اولئک هم الغفلون". همه سخن این است که همواره صاحبان عقل و خرد، اندیشه و بصیرت بیش از همه به ارزشهای الهی اندیشه نموده و آموزه‌های دینی و بایسته‌های قرآنی را اصلی‌ترین سرمایه آرامش روان و سعادت حیات دنیوی و اخروی خویش می‌دانند. از همین رو اندیشه و پایبندی به ارزشهای الهی، آدمی را به سوی قله یگانگی و توحید، آزادی و آزادگی، اخلاص و دل‌آرامی هدایت می‌کند. و در این معنا، پر واضح است که زیباترین جلوه و تبلور ارزشهای والای الهی را در رفتار آزادگان موحد، سخن‌گویان با خدا و قیام‌کنندگان به صلاه می‌توانیم مشاهده کنیم. "نماز، این متعالی‌ترین اندیشه و رفتار حق‌شناسی و قابلیت و شایستگی در تقدیم حمد و سپاس به درگاه خالق منان، خود کامل‌ترین پاسخ، به عالی‌ترین نیاز انسان، یعنی نیاز به خودشکوفایی و کمال‌جویی است". نماز، "این پالایشگر وجود، هم‌آوایی خالق و مخلوق و پاسخگوی همیشگی نیاز فطری و روانی انسان، برنامه‌ای است فارغ از قید تاریخ و جغرافیا و فرصتی است برای هر انسان اندیشمند، آزاده و حق‌شناس که در گستره گیتی و در اوقات معلوم و هنگامی که احساس نیاز، در سکوی عروج قرار گیرد و سرود آزادگی سر داده با حمد خدای رحمان و رحیم راز دل گوید و راه کمال جوید. و "وضو" مقدمه بایسته نماز و سرآغاز شایسته و نیکوی هر اندیشه و عمل حق‌مدارانه و خداپسندانه است. وضو "پالایش عرشی، طراوت زیستی و روانی و معنوی و روشنگر جهت‌ها و هدف‌هاست". وضو "تنظیف جسم نیست، بلکه تطهیر جسم و جان و تحوّل ذهن و روان است. وضو زدودن آلودگیهای نفسانی و وارستگی از دلبستگیهای دنیایی و احراز قابلیت تعالی و عروج است. آن‌گاه که به نیت "وضو" صورت، یعنی نمای شخصیت اجتماعی خویش را می‌شوئیم، اندیشه و حرکت ما بیانگر این حقیقت است که می‌خواهیم همه ناسپاسیها و نادرستیها را از چهره و منظر اجتماعی خویش بزداییم. اگر در روابط انسانی و در تعاملات اجتماعی نگاه ناصوابی داشتیم، اگر کلامی ناروا و نابه‌حق به زبان آوردیم، اگر با نقش چهره کسی را رنجاندیم، صورت و منظر اجتماعی خویش را از همه نادرستیها و ناصوابها، متیته‌ها و خودمحوریها منزّه می‌نماییم، و آن‌گاه که دست‌انمان را با آب "وضو" صیقل و صفا می‌دهیم می‌خواهیم با همه وجود اعلام نماییم که ما هرگز در اسارت قدرت غیر خدایی نخواهیم ماند، چرا که دست‌سمبل قدرت است و قدرت خدا بالاترین قدرت هستی است. اگر لحظه‌ای و ذره‌ای از توان و قدرت خویش به ناحق و برای غیر خدا بهره گرفتیم، بر سینه بی‌گناهی زدیم و ظلمی روا داشتیم و به حقوق دیگران تعدی کردیم چنین اندیشه و توانی را از وجود خویش دور می‌سازیم و از سویدای دل توبه می‌کنیم و با دست‌ان پاک و پرسیفا در برابر معبود خویش به سجده می‌روئیم و دست به دعا برمی‌داریم، آن‌گاه که سر خویش را مسح می‌کنیم، بر این باوریم که سرچشمه همه عملها از مغز و اندیشه آدمی است. بار الها، اگر در گذر زمان، اندیشه و خیال ناروا و ناصوابی بر مغز ما خطور کرد، با مسح سر همه تخیلات نادرست و آمال نفسانی و اندیشه‌های خودمدارانه و شرک‌آلود را از قوه مخیله و حوزه تفکر و اندیشه خود پاک می‌نماییم و سری را در پیشگاه کبریاییت از سر تعظیم فرود آورده و جبهه‌اش را بر سجده می‌نهیم که جز اندیشه و سودای تو هیچ ندارد. و بالأخره زمانی که با آب "وضو" روی پاهای خود را مسح می‌نماییم، این معنا را تفسیر می‌کنیم که خدایا اگر در مشی زندگی و حیات فردی و اجتماعی لحظه‌ای از خویشتن خویش غافل گشته و از مسیر حق و حقیقت و صراط مستقیم باز مانده و مقصد و مقصود را فراموش کرده و گرفتار خودماندگی و ایستایی، سرگردانی و غفلت، لغزش و پریشانی شدیم طلب مغفرت نموده و با همه

وجود اعلام می‌داریم که قدمی جز به حق نمی‌گذاریم و گامی جز رضای تو بر نمی‌داریم و هرگز لحظه‌ای از مقصد و مقصود غافل نمی‌شویم. چرا که انّ صلاتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین . همه مقصد و مقصود تویی.

قسمت دوم

"روزه" برنامه تربیتی دیگری است که زمینه رشد مطلوب زیستی، روانی و اجتماعی انسان را مهیا می‌کند. بر همه انسانهای صالح و سالم واجب است در هر نقطه گیتی، در ماه مبارک رمضان، همدل و هماهنگ با همه مسلمانان، در این برنامه عمومی شرکت کنند. ماه مبارک رمضان، "اردوگاه عرشی و مدرسه خودسازی و تهذیب نفس، شکستن زنجیره‌های عادات زیستی، شناختی، روانی و اجتماعی، تقویت آگاهی و اراده و اعتماد به نفس و تلاش برای رسیدن به قله رستگاری است." روزه، "برنامه‌ای است برای رشد و تحول فردی و حرکتی است هدفمند و مؤثر در مسیر فقرزدایی، عدالت و سلامت و تعالی جامعه. و سرانجام"، روزه، "این دستور پر جلوه پرورشی، با هدف ایجاد تحول در ابعاد وجود، فرصتی فراهم می‌آورد تا بستر وجود انسان همانند بستر طبیعت، پس از یک سال بهره‌وری، در معرض دگرگونی و تحول قرار گیرد و فرصت برای رویش پربرکت تر شکوفه‌های حیات پدیدار گردد. با این نگاه"، روزه "نیازی طبیعی برای گندزدایی جسم و روان و هموارگر بستر رشد و تعالی انسان است. اما "حج"، در مقایسه با برنامه‌های تربیتی دیگر همچون "نماز" و "روزه"، "دو قید زمان و مکان را به همراه دارد. به بیان دیگر، در هر روز و هر ماه و در هر مکان و سرزمینی نمی‌توان اعمال حج را به جای آورد و حاجی شد. در برنامه تربیتی و تهذیبی "حج"، شاهد پیوند تاریخ و جغرافیای هستی هستیم. به همین دلیل "حج"، همانند روزه، به جای یک‌ماه، در چند روز خاص و زمانهای تعیین شده باید انجام پذیرد." حج، "متفاوت از نماز و روزه، فقط در مناطقی مشخص، در سرزمینی مقدس، در میعادگاه توحید، در حریم امن و آرامشگه تاریخ انجام می‌گیرد." حج، "تطهیر وجود در اقیانوس هستی است، شرک‌ستیزی و وحدت‌جویی است، پالایش وجود و شست‌وشوی جان و روان در باران رحمت خداوندی است." حج، "گسستن همه زنجیرهای وابستگی، رها شدن از انانیتها و تشخصها و تمرین و تجربه زندگی توحیدی است." نماز" و "روزه" برای همه ایمان آورندگان خداجو و رهروان طریق حق، امری است لازم، اما انجام "حج"، بیش از همه بر افراد متمکن واجب است. در نظام الهی، هر کس که امکان حضور در همایش عظیم حج را داشته باشد و بتواند از عهده انجام برنامه‌ها و هزینه‌های آن در نهایت سادگی برآید، مکلف به عزیمت به خانه امن و هجرت از خویشتن خویش به سوی خالق منان است. واقع امر این است که همواره کسانی که از تمول و تمکن بیشتری در زندگی شخصی و اجتماعی برخوردارند، بیش از دیگران در معرض آسیب‌پذیریهای رفتاری و کژرویههای اجتماعی قرار می‌گیرند. به کلامی دیگر، اگر تمول و تمکن با تزکیه و تهذیب همراه نباشد، می‌تواند زمینه‌ای برای تمرد و طغیان شود. انسان متمکن بیش از دیگران تکلیف دارد. آن کس که از نعمتهای الهی نصیب بیشتری دارد، از قدرت بدنی، ظرفیت فکری و امکانات اقتصادی فوق‌العاده‌ای برخوردار است، بدون تردید می‌بایست احساس مسؤولیت بیشتری کند و همواره با تهذیب نفس و صفای درون در ایفای رسالتهای فردی و اجتماعی توفیقات افزونتری کسب نماید. از این رو "حج" امری واجب بر انسانهای متمکن است، تا مبادا این تمکن و برخورداری در زندگی اجتماعی برای آنان مایه تشخص و تفاخر، خودنمایی و برتری‌طلبی، تمرد و طغیان‌گری باشد و "حج" برنامه جامعی است برای زدودن همه آفات شخصیتی و ایمن شدن در برابر محرکهای شیطانی. اگر به دیده تأمل بر سیر مناسک و اعمال "حج" و احکام آن از آغاز تا پایان بنگریم، به نیکی درمی‌یابیم که "حج"، پالایش نفس از همه آسیبهای روانی و کژرویههای اجتماعی و پردازش و پدیدآوری شخصیتی است قابل اعتماد، مصون از هر فساد، متواضع و آرام، غالب و حاکم بر کششهای نفسانی و محرکهای اجتماعی، بی‌نیاز از آزمندیها، فزون‌خواهیها و به‌دور از نشانه‌های خودنمایی و برتری‌جویی و عبدی است صالح و آزاده، حلیم و امین در خانه و اجتماع و "حاجی" چنین است. از این رو کسی که به سفر عرشی "حج" می‌اندیشد، احساس می‌کند که به

دنیای دیگری عزیمت می کند و می باید از وابستگیهای دنیوی رها شود، از دغدغه‌های خاطر، نگرانیها و اضطرابات حاصل از پیوندهای اجتماعی و تعامل و دادوستدهای بین فردی آزاد گردد تا با دلی آرام و قلبی مطمئن راحل دیار توحید شود. لذا نزد این و آن می رود و از خویشان و یاران، همسایگان و همشهریان و همکاران و هم قطاران، حلالیت می طلبد و از رفتار ناخوشایندی که احتمالاً با برخی از آنان در شرایط و موقعیت خاصی داشته و از غیبتی که نموده است، عذرخواهی می کند و با این کار، کدورتها و غبارها را می شوید. همچنین تلاش می کند قبل از سفر، همه دیون شرعی و قانونی خود را پردازد و تصویر روشنی از وضع مالی و تسویه حسابها و تعهدات اخلاقی و اجتماعی خود ترسیم نماید و به خانواده و وصی خود ارائه کند. چرا که "حج" سفری نیست که بی توجه به وضعیت گذشته و حال و غافل از حلالها و حرامها، رضامندیها و نارضايتهاي این و آن بتواند عبادتی مقبول باشد و "حاجی" صفتی نیست که به آسانی زینت بخش شخصیت هر مسافر سرزمین وحی گردد. "حاجی" شدن یعنی متّصف شدن به همه فضیلتهای اخلاقی و ارزشهای انسانی و مصون بودن از همه رذیلتهای اخلاقی و رها شدن از اسارت‌های نفسانی. برای اتصاف به صفت "حاجی"، "دست یابی به چنین مقام والایی، باید زحمتهای کشید و رنجها متحمل شد. از خود به درآمد و با خدا یکی شد. ناخالصیهای وجود را در آتش عشق سوزاند و مصفا شد. دل را از هر آنچه غیر حق است، خالی کرد و بذرهاي محبت محبوب را در آن نشاند. جسم و جان را در دریای رحمت پروردگار، تغسیل و تطهیر کرد. لباس نشان را از تن به در آورد و با تن پوشی از "سفیدی" بی نشان شد. در برابر همه وسوسه‌ها و تمایلات درونی و کششهای نفسانی، عافیت جویها و راحت طلبیها ایستادگی کرد و با ایمان استوار و توکل راسخ، نیتی خالص و انگیزه‌ای مقدس، لحظه‌ای از تلاش در عرصه‌های صدق و صفا و مروت و ایثار غافل نماند. اگر به حقیقت به "حج" آمده‌ای و می خواهی به منزلت و مقام "حاجی" مفتخر شوی و نشان عزت ارزشی را درون سینه‌ات جای دهی، باید تمرین و تجربه دیگری را آغاز کنی. تو خود نیک می دانی که "بل الانسان علی نفسه بصیره" و دیگران نیز می دانند و همه روان شناسان و روان درمانگران نیز بیان می دارند که اساسی ترین آسیبهای شخصیتی و مهمترین آفات اخلاقی و مستعدترین زمینه‌های کژروی و انحرافات رفتاری انسان در همه زمانها و مکانها، ریشه در برخی ویژگیها و عقده‌های روانی و عدم مهار بعضی از تمایلات نفسانی دارد. و خداوند مّان، صورتگر شاکله آدمی و علیم بر همه قوانین حاکم بر نفسانیات و ویژگیها و نیازهای فطری انسان می خواهد که انسان متمکن در فرایند "حاجی شدن" در یک ابتلا و امتحان عظیم، خانه دل را زیر و زبر کند و بر همه کششهای درون و محرّکهای بیرون و آسیبهای رشد و تعالی شخصیت چیره و حاکم شود. از همین روست که در طریق "حاجی شدن" و مصونیت یافتن از آسیب پذیرهای روانی و اجتماعی، انسان باید آنگاه که لباس بی نشان احرام بر تن می کند و تیرگیها را زدوده، با سپیدی همراه می شود، مقابله و مبارزه با آفتهای شخصیت متعادل و متعالی را تمرین و تجربه کند. آنکه می خواهد "حاجی" شود، باید: - از خود بینی و خود آرایی پرهیز کند. - از راحت طلبی و عافیت جویی به دور باشد. - از خود آزاری و دیگر آزاری اجتناب ورزد. - از اندیشه تخریب و تهاجم و پر خاشگری آزاد باشد. - از خودارضایی و غلیان هوسها و کششهای جنسی رها باشد. - از تفاخر و برتری طلبی و خود بزرگ بینی مبرا باشد. - از زبان و رفتار تظاهر و تزویر و تحقیر و توهین جدا باشد. چرا که غالب بودن این ویژگیها در زندگی فردی و اجتماعی، اصلی ترین آفات رشد و اساسی ترین آسیبهای شخصیت انسان است. و "حاجی" کسی است که با تمرین وافی در وادی زدودن آفات رشد و استیلا بر کششهای نفسانی و محرّکهای اجتماعی و تجربه برادری و برابری، صفا و پاکی، مروت و ایثار، زندگی هدفمند و خدامحور، ستیز با شیاطین سرکش نفس و دشمن معنویت، انزجار و تبزی جستن از مشرکان و ظالمان و طاغیان عصر، آماده قربانی کردن عزیزترین هستی خویش می گردد. "قربانی کردن"، مرحله‌ای باشکوه از فرایند پر عظمت "حج" است. اینک که می خواهی "حاجی" شوی و به مقام والای ابراهیمی نایل گردی، در صف منادیان راستین لا اله الا الله قرار گیری و از سویدای دل لیبیک حق گویی، تو نیز باید به نشانه توفیق در پالایش وجود و غلبه بر همه کششهای نفسانی و محرّکهای روانی و اجتماعی، صیقل دادن جسم و جان و اخلاص و یکتاپرستی، "اسماعیلت" را قربانی کنی؛ که

ابراهیم چنین کرد. عزیزترین هستی ابراهیم علیه السلام، در پایان یک عمر انتظار و یک قرن تلاش و رنج و محنت، فرزندی دلنبد و پسری زیباروی و نیکوسیرت بود که او در صحنه امتحان، به رغم همه دلبستگیها، آماده شد تا ریشه‌ها و رگه‌های وابستگی را قطع کند که ندا آمد ای ابراهیم، تو پیروزی، به جای اسماعیل، گوسفندی قربانی کن. در طبق اخلاص بگذار، هرچه و هر که باشد: سرمایه‌ات، فرزندان، همسرت، مقامت، آبرویت، شغلت، شهرت، فزون‌خواهی‌ات، خودکامگی‌ات و ... حال که تو می‌خواهی "حاجی" شوی و به برترین منزلت و مقام در جامعه مسلمانان نایل شوی و عزت اسلامی نصیب گردد، به اسماعیل بیندیش، خالصانه و مخلصانه تأمل کن. آری اسماعیل خود را، هر آنچه هست، در هیأت گوسفندی و شتری، در مسلخ عشق و ایثار قربانی کن. اینک با توفیق در این آزمون سترگ، به سان بندگان ناب خدا، آرام‌دل و سبک‌بال چون پروانه، برای ایفای نقشی تازه و رسالتی نو، گام در سرزمین خود نه و به میان جمع مردمان خویش بازگرد. اکنون رفتار و منش تو به گونه‌ای است که گویا تولد دوباره‌ای یافته‌ای و قلبت برای خدا می‌تپد و بس. جز حق نمی‌گویی، جز حق نمی‌جویی و جز به صراط حق گام نمی‌گذاری و همه مردم از کوچک و بزرگ و زن و مرد انتظار دارند و دوست می‌دارند که همه ارزشهای والای قرآنی و الگوی متعالی شخصیت اسلامی را در منش و رفتارهای فردی و اجتماعی تو مشاهده و تجربه نمایند. و "حاجی"، یعنی مظهر مقاومت در برابر طوفان سرکش نفس، تفسیر درستی و صداقت، تجسم گذشت و ایثار، تبلور محبت و منطق و تجلی صفا و مروت.

منابع و مأخذ

- آیت‌الله مکارم شیرازی (۱۳۷۵). ترجمه قرآن کریم، انتشارات دارالقرآن کریم، قم. - افروز، غلامعلی (۱۳۸۲). روش‌های پرورش احساس مذهبی، انتشارات اولیا و مریان. - افروز، غلامعلی (۱۳۸۳). روان‌شناسی تربیتی کاربردی، انتشارات اولیا و مریان. - رسولی محلاتی، سیدهاشم (۱۳۷۷). غررالحکم و دررالکلم، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی. - تنکابنی، مرتضی (۱۳۸۰). نهج‌الفصاحه، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی. - پاینده، ابوالقاسم (۱۳۶۰). نهج‌الفصاحه، انتشارات جاویدان، چاپ سیزدهم. - مصطفوی، سیدجواد (۱۳۴۸). ترجمه اصول کافی، تألیف کلینی، انتشارات نشر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام، تهران. - عادل، محمود (۱۳۶۷). تنظیم کننده: مجمع‌البحرین، تألیف فخرالدین طریحی، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

پی نوشتها

. عمل به مستحبات، از جمله گرفتن روزه‌های مستحبی، ادای نمازهای نافله و نماز شب و غیره، از جمله ارزشهایی است که مسیر رشد انسانهای متعالی را هموار می‌کند. تحقیقاتی که اخیراً نتایج آن در دانشگاه لندن اعلام شده، بیانگر این حقیقت است که مصرف الکل، ولو اندک، علاوه بر آثار سوء خانوادگی و اجتماعی، موجب انقباض سلولهای مغزی می‌شود. تحقیقات انجام شده حکایتگر این مسأله است که علاوه بر ضرر قابل توجه مصرف گوشت خوک برای سلامت عمومی انسان، هورمونهای موجود در گوشت خوک شرایط عاطفی و روانی انسان را به‌طور قابل ملاحظه‌ای مختل می‌کند و میزان پرخاشگری و عصیانگری و رفتارهای نابهنجار خوک‌خوران را به‌طور چشمگیری مضاعف می‌نماید. پیامبر صلی الله علیه و آله: "من اصبح و لایهتم بالمسلمین، فلیس بمسلم" - هر کس سحر کند و در اندیشه کارپردازی مسلمانان نباشد، مسلمان نیست (نهج‌الفصاحه، ترجمه ابوالقاسم پاینده). ۲. نهج‌الفصاحه ۱. غررالحکم، جلد ۲۲. غررالحکم، جلد ۳۲. غررالحکم، جلد ۱۲. عن علی علیه السلام قال: هبط جبرئیل علیه السلام علی آدم علیه السلام فقال: یا آدم انی امرت ان اخیرک واحده من ثلاث فاخترها ودع اثنتین فقال له آدم: یا جبرئیل و ما الثلاث؟ فقال: العقل و الحیاء و الدین فقال آدم علیه السلام، انی قد اخترت العقل فقال جبرئیل للحیاء و الدین انصرفا و دعاه فقالا: یا جبرئیل انما امرنا ان نکون مع العقل حیث کان قال: فشانکما و عرج (اصول کافی، جلد ۱). ۱. مجمع‌البحرین (عقل) ۲۲۴. ۲. اصول کافی، جلد ۱

۱. صف، ۲۲. بقره، ۴۴. غرالحکم، جلد ۲، ۱. غرالحکم، جلد ۲، ۱. اعراف، ۱۷۹. پیامبر بزرگوار اسلام فرمودند: هر کس می‌خواهد با خدا سخن بگوید، نماز بخواند و هر کس می‌خواهد خداوند با او سخن بگوید، قرآن تلاوت کند (نهج الفصاحه). ۱. انعام، ۱۶۲. بدیهی است آنان که از ظرفیت روانی بیشتری برخوردار هستند و نیاز به برنامه‌های تربیتی فوق‌العاده دارند، می‌توانند در ایام و روزهای دیگر نیز روزه‌های مستحبی بگیرند. تربیت به معنای دقیق آن، از شکستن عاداتها آغاز می‌گردد. به تعبیری عاداتهای خوب هم، خوب نیستند! نماز را هم نباید بر حسب عادت به جای آورد. هر عمل و رفتار ما باید همراه با آگاهی و نیت و اراده باشد. جمع‌آوری مطلوب و به‌حق زکات فطر در همه جوامع اسلامی و توزیع مناسب آن میان مستمندان و نیازمندان کشورهای مسلمان‌نشین، بدون تردید گامی مؤثر در جهت فقرزدایی است و احتیاجات غذایی مسلمانان نیازمند، برای زمان قابل توجهی تأمین می‌شود. ۳. همه ساله گزارشهای کارگزاران فرهنگی و مسؤولان قضایی و انتظامی حاکی از آن است که در ماه مبارک رمضان تخلفات رفتاری به‌طور چشمگیری کاهش می‌یابد. درست مانند آنکه کشاورزان فهیم همه ساله قبل از بذرافشانی تازه، زمین کشت را شخم می‌زنند تا علفهای هرز و آفتهای رشد از بین برود و بذر جدید در بستری مناسب نمو کند، ماه مبارک رمضان هم بستر وجود انسان را از آفتهای احتمالی رشد مصون می‌سازد و زمینه رشد مطلوب را فراهم می‌کند. روزه در یک ماه تمام (ماه رمضان) مقرر گردید و حج دو سه روز در ماه ذیحجه و فقط در منطقه مکه. "لا یكلف الله نفساً الا وسعها: - خداوند بر کسی، بدون توجه به توانایی‌ها و وسعت وجودش تکلیف نمی‌کند (بقره، ۲۸۶). بخشی از هویت فردی انسان با "لباس" مشخص می‌شود. وقتی گروهی از انسانها لباس یک شکل به تن می‌کنند، مثل بیماران بیمارستانها، سربازان پادگانها و یا آنگاه که همه انسانهایی که به حج آمده‌اند کفن‌پوش می‌شوند، تمامی فردیتها، هویتها و تشخصها از میان می‌رود. به همین دلیل است که بعضی از بیماران متمکن دوست دارند در بیمارستان نیز لباس شخصی به تن داشته باشند! لیس للانسان الا ما سعی (نجم، ۵۳). سعی بین صفا و مروه. قیامت، آیه ۱۴: همانا انسان بر کششهای نفسانی خود آگاه است. "در حال احرام، نگاه کردن در آئینه، عطر زدن و استفاده از انگشتری زینتی و ... ممنوع است. در حال احرام، پوشاندن سر و سایبان بر سر قرار دادن ممنوع است. در حال احرام خون انداختن بدن، کشتن حشراتی که در بدن سکنی گزیده‌اند و ... ممنوع است. در حال احرام، کندن درخت و هر رویدنی، کشتن حیوانات و جدال و مسلح شدن به سلاحهای گرم و سرد ممنوع است. در حال احرام، خود ارضایی، معاشقه و ارتباط با همسر ممنوع است. در حال احرام، تفاخر و مباهات و ... حرام است. در حال احرام، دروغ گفتن، تهمت زدن و فحاشی حرام است. در بعضی از کشورهای اسلامی، آن کس که از سفر حج به موطن خود باز می‌گردد، یعنی "حاجی"، "از منزلت والایی در میان مردمان خود برخوردار است. مردم او را امین می‌دانند و مصون از آسیبها و کژاندیشیها، به همین دلیل است که وقتی یک پزشک متخصص از کشوری مثل مالزی "حاجی" می‌شود، ابتدا کارت ویزیت و تابلوی مطب خود را عوض می‌کند و نام خود را با کلمه مقدس "الحاج دکتر" ... مزین می‌نماید. اما جای بسی تأسف و تأثر است، هنگامی که از منزلت "حاجی" در ایران اسلامی سخن می‌گوییم! و عباد الرحمن الذین یمشون علی الارض هوناً و اذا خاطبهم الجاهلون، قالوا سلاماً (فرقان، آیه ۶۳).